84102 ـ آیا عشقی که به ازدواج منجر می‌شود حرام است؟

سوال

عشقی که قرار است به ازدواج منجر شود حرام است؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

رابطه‌ای که میان مرد و زن نامحرم شکل می‌گیرد و مردم به آن عشق می‌گویند در حقیقت مجموعه‌ای از حرام‌ها و ممنوعات شرعی و اخلاقی است.

هیچ عاقلی در حرام بودن اینگونه روابط شک نمی‌کند زیرا در بر گیرندهٔ مجموعه‌ای از حرام‌ها است از جمله: خلوت کردن مرد با زن نامحرم و نگاه به او و سخنان پر از اظهار عشق و علاقه که باعث تحریک غرایز و شهوت‌هاست و چه بسا به مراحلی بدتر منجر شود چنانکه بارها مشاهده شده است.

پیش‌تر در پاسخ به سوال (84089) به برخی از این حرام‌ها اشاره کردیم که می‌توانید به آن مراجعه نمایید.

ثانیا:

آمارها و پژوهش‌ها ثابت کرده که بیشتر ازدواج‌های مبنی بر عشق قبلی میان مرد و زن به شکست انجامیده، حال آنکه بیشتر ازدواج‌هایی که قبل از آن عشق و روابط حرام نبوده و مردم آن را ازدواج سنتی می‌نامند غالبا موفق بوده است.

بنابر پژوهشی میدانی که توسط یک جامعه‌شناس فرانسوی به نام سال ژور دان انجام گرفته ازدواج‌هایی که دو طرفِ آن قبل از ازدواج در عشق واقع نشده‌اند بیشتر موفق هستند.

در پژوهشی دیگر توسط جامعه‌شناسی به نام اسماعیل عبدالباری که بر روی ۱۵۰۰ خانواده انجام شده این نتیجه به دست آمده که بیش از ۷۵٪ ازدواج‌های حاصل از عشق به طلاق منتهی شده در حالی که این نسبت در ازدواج‌های سنتی ـ یعنی ازدواج‌هایی که مبنی بر عشق قبل از ازدواج نبوده ـ کمتر از ۵٪ بوده است.

از مهم‌ترین اسبابی که به این نتیجه منجر می‌شود می‌توان این موارد را نام برد:

۱ـ شور عاطفی که باعث ندیدن عیب‌ها و روبرو نشدن با آن می‌شود یا چنانکه در مثل عربی آمده: چشم خشنودی از دیدن هر عیبی ناتوان است. چه بسا یکی از دو طرف یا هر دو عیب‌هایی داشته باشند که باعث شود برای طرف مقابل مناسب نباشد، اما این عیب‌ها تنها بعد از ازدواج ظاهر می‌شود.

۲ـ دو عاشق گمان می‌کنند زندگی یک سفر عاشقانهٔ بی‌انتهاست، برای همین جز از عشق و رویاهای عاشقانه سخنی دیگر نمی‌گویند... اما مشکلات زندگی و راه‌های مواجهه با آن هیچ سهمی از سخنان آنها ندارد و این گمان واهی پس از ازدواج نابود می‌شود و هر دو طرف با مشکلات زندگی و مسئولیت‌هایش روبرو می‌شوند.

۳ـ دو عاشق عادت به گفتگو و بحث و مناقشه ندارند بلکه عادت کرده‌اند در هر موردی برای رضایت دیگری فداکاری کنند و از حق خود بگذرند و حتی گاه سر اینکه یک طرف می‌خواهد از حق خودش بگذرد و دیگری را خشنود کند با هم بحث و جدل می‌کنند! اما بعد از ازدواج قضیه برعکس می‌شود و هرگونه گفتگویی به مشکل برمی‌خورد زیرا هر یک از دو طرف به فداکاری طرف مقابل عادت کرده است.

۴ـ تصویری که هر یک از دو عاشق از خود برای دیگری به نمایش می‌گذارند تصویر حقیقی آنها نیست. نرم‌خویی و مهربانی و فداکاری برای راضی کردن طرف مقابل و همهٔ این‌ها در حقیقت تصویری است که دو عاشق تلاش می‌کنند در مدت زمانی که رابطهٔ عاشقانه نام دارد از خود نمایش دهند ولی این کار را نمی‌توان در طول زندگی انجام داد و بعد از ازدواج تصویر خودِ واقعی آنها ظاهر می‌شود و به همراه آن مشکلات هم خود را نشان می‌دهند.

۵ـ مدتِ رابطهٔ عاشقانه غالبا بر رویا و مبالغه‌هایی استوار است که با واقعیت ازدواج هم‌خوانی ندارد. مرد عاشق به معشوقه‌اش تکه‌ای از ماه را وعده می‌دهد و راضی نخواهد شد مگر آنکه او را خوشحال‌ترین زن جهان کند... در مقابل زن هم جز او کسی را نمی‌خواهد و به یک اتاق و خوابیدن روی زمین راضی است و همین که او را به دست آورده کافی است! یا چنانکه یکی از قول عاشقی نقل می‌کند که: لانهٔ گنجشک برایمان کافی است و یک لقمه نام هم بس است و به من پنیر و زیتون بده! که همه‌اش سخنان عاطفی پر از مبالغه است و خیلی سریع پس از ازدواج آن را فراموش می‌کنند... زن از بخیلی همسرش شکایت می‌کند که به خواسته‌های او کم توجه است و مرد از زیاده‌خواهی همسرش و هزینه‌های او می‌نالد.

بنابر همین اسباب ـ و اسباب دیگر ـ تعجب نمی‌کنیم اگر هر یک از دو طرف پس از ازدواج ادعا کنند که فریب خورده‌اند و عجله کرده‌اند و مرد از این که چرا با زنی که خانواده‌اش به او پیشنهاد داده بودند ازدواج نکرده و زن از این پشیمان است که چرا با فلان مرد که خانواده‌اش با او موافق بودند اما به خاطر دلخواه او ردش کردند ازدواج نکرد...

نتیجه‌اش همین نسبت بالای طلاق در میان مردان و زنانی است که همه گمان می‌کردند خوشبخت‌ترین زوج دنیا خواهند شد!

ثالثا:

اسبابی که پیش‌تر بیان شد همه عوامل حسی و ظاهری هستند که واقعیت شاهد صحت آن است. جز آنکه نباید از سبب اصلی شکست اینگونه ازدواج‌ها غافل شویم و آن برپا شدن این زندگی‌ها بر گناه است. اسلام ممکن نیست این روابط گناه را تایید کند حتی اگر قرار باشد به ازدواج منجر شود و برای همین مجازات عادلانهٔ پروردگار در انتظار چنین کسانی است. الله تعالی می‌فرماید:

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنكًا

[طه: ۱۲۴]

(و هر که از یاد من روی‌گردان شود در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت).

یک زندگی تنگ و دردناک در نتیجهٔ معصیت خداوند و روی‌گردانی و بی‌توجهی به وحی او.

پروردگار متعال می‌فرماید:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُواْ وَاتَّقَواْ لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ

[اعراف: ۹۶]

(اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعا برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم)

بنابراین برکت الهی پادشاه ایمان و تقوا است و هرگاه ایمان و تقوا در میان نباشد یا کم باشد، برکت نیز کم شده یا کاملا از بین می‌رود.

همچنین پروردگار متعال می‌فرماید:

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَم مَّنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىَ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللّهُ لاَ يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

[توبه: ۱۰۹]

(آیا کسی که بنیاد [کار] خود را بر پایهٔ تقوا و خشنودی الله نهاده بهتر است یا کسی که بنای خود را بر لب پرتگاهی مُشرف به سقوط پی‌ریزی کرده و با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتد؟ و الله گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند)

بنابراین کسی که ازدواجش بر این اساس حرام بنا شده باید فورا توبه کند و آمرزش بخواهد و زندگی صالحی را ادامه دهد که قوامش بر ایمان و تقوا و عمل صالح باشد.

برای اطلاع بیشتر به سوال شمارهٔ (23420) مراجعه کنید.

والله اعلم